

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و چهارم، شماره نود و پنجم

پائیز ۱۴۰۲

تحلیل ویژگی‌های مؤثر بر بهبود عملکرد سازمان دعوت فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ق)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۵/۱۱

۱ راضیه انصاری

۲ محمدعلی چلونگر

۳ فریدون اله‌یاری

سازمان دعوت به عنوان بزرگ‌ترین دستگاه تبلیغاتی خلافت فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ق)، وظیفه خطیر گسترش و تبلیغ آموزه‌های اسماعیلی و فراهم آوردن زمینه‌های تسلط فاطمیان به عنوان تنها خلافت مشروع بر سرزمین‌های اسلامی را بر عهده داشت. این سازمان، فاطمیان را در مصاف با خلافت عباسی و جهان اهل سنت قرار می‌داد. این نوشتار با روش وصفی - تحلیلی به تبیین ویژگی‌هایی از سازمان دعوت فاطمی می‌پردازد که در بهبود عملکرد این سازمان مؤثر بودند. نتایج این بررسی حاکی از آن است که سازمان دعوت فاطمی با برخورداری از ویژگی‌هایی مانند نظم و انضباط سازمانی، نظارت و کنترل سازمانی، تمرکز سازمانی، تقسیم کار و هماهنگی

۱. دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان (Ansari_raziye@yahoo.com).

۲. دکتری تاریخ اسلام، استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤول) (M.chelongar@ltr.ui.ac.ir).

۳. دکتری تاریخ ایران اسلامی، استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان (F.allahyari@ltr.ui.ac.ir).

بین وظایف اعضای سازمان، فعالیت مستمر و فراگیر، پنهان‌کاری تشکیلاتی و پیروی از زنجیره فرمان توانسته بود در پیشبرد اهداف سیاسی و مذهبی خلافت فاطمی به ویژه در خارج از مرزهای آن عملکرد بهتری داشته باشد.

کلیدواژگان: خلافت فاطمیان، اسماعیلیه، سازمان دعوت، تبلیغات دینی.

مقدمه

فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ق) با داشتن ادعای وراثت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله خود را تنها حاکمان و خلیفگان مشروع مسلمین دانسته، در پی احیای جهان اسلام و وحدت بخشیدن به آن، تحت لوای خود بودند. آنان با غاصب خواندن خلافت عباسی (۱۳۲-۴۵۶ق) و تلاش برای براندازی آن، خود را در مقابل طیف گسترده‌ای از مخالفان قرار داده بودند. با این حال، خلافت فاطمی علاوه بر جذب پیروان بسیار در اقصا نقاط جهان، توانست حتی در پایتخت خلافت عباسیان نیز رسوخ کند و مدتی - هر چند کوتاه - آن را تصرف کند.^۱

این که چرا جنبش اسماعیلیه و تعالیم این کیش با چنان شتابی گسترش یافت سوالی است که ذهن نویسندگان پیشین چون غزالی (م ۵۰۵ق)، بغدادی (م ۴۲۹ق) و ابن جوزی (م ۵۹۷ق) را نیز به خود مشغول داشته است.^۲ مطمئناً علاوه بر قدرتمندی دولت فاطمی، سازمان دعوت آنان که وظیفه تبلیغ کیش اسماعیلی را بر عهده داشت، تأثیر فراوانی در این موفقیت داشته است. لذا این پژوهش در نظر دارد به بزرگ‌ترین سازمان تبلیغاتی آنان، یعنی سازمان دعوت، به عنوان مؤثرترین ابزار این خلافت برای پیشبرد اهداف خود - به ویژه در خارج قلمروش - بپردازد. این سازمان که متشکل از مبلغان متبحر و کارآزموده بود، به عنوان تنها راه ارتباطی بین خلیفه فاطمی و تمام پیروان وی - که در سراسر قلمرو

۱. مقریزی، *اتعاظ الحنفیة*، ج ۲، ص ۲۳۲-۲۳۸.

۲. لوئیس، *بنیادهای کیش اسماعیلی*، ص ۱۳۱.

اسلامی پراکنده بودند - محسوب می‌شد؛ پیروانی که ممکن بود هرگز موفق به دیدار امام خود نشوند، از طریق این سازمان پیوند روحانی و معنوی خود را با ایشان حفظ می‌کردند.^۱ خلافت فاطمی نیز از طریق این پیروان - که سازمان آنان را جذب کرده بود - علاوه بر دل‌مشغولی‌های بسیاری که برای مخالفان خود ایجاد کرد، توانست آموزه‌های اسماعیلی را بسط داده، اهداف خود را پیش ببرد.

بنابراین مهم‌ترین دلیل توسعه نفوذ تعالیم کیش اسماعیلی و به تبع آن قدرت خلافت فاطمی در خارج از قلمرو این خلافت، اقدامات و فعالیت‌های این سازمان بوده است. حال سوال این است که این سازمان که بار اصلی توسعه قدرت فاطمیان را بر عهده داشت، با وجود مخالفان بسیار، چگونه توانست با موفقیت به اهداف خود برسد؟ این سازمان چه ویژگی‌ها و توانایی‌هایی داشت که توانست با نهادینه کردن تعالیم این فرقه، باعث زنده ماندن آن تا به امروز باشد؟

در برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه اسماعیلیان و فاطمیان، به سازمان دعوت آنان نیز اشاراتی شده است که بیشتر به معرفی سلسله مراتب داعیان این سازمان و شرح وظایف آنان پرداخته‌اند. مقالات متعددی را نیز می‌توان نام برد که هر یک جنبه‌هایی از سازمان دعوت اسماعیلیان را مورد بررسی قرار داده‌اند، مانند مقاله «دعوت اسماعیلی خارج از قلمرو دولت فاطمی» از فرهاد دفتری که به تاریخچه، ساختار و موفقیت‌های این سازمان پرداخته است؛ و مقاله «ساخت، کارکرد و تحول نهاد دعوت فاطمیان مصر» از فاطمه جان‌احمدی که به چگونگی ساختار نهاد دعوت فاطمی و تحولاتی که از بدو تأسیس پشت سر نهاده است، پرداخته؛ و مقالات حمزه‌علی بهرامی مانند مقاله «ساختار سازمان دعوت فاطمیان» که سه وجه ساختار سازمان دعوت فاطمی از جمله مراتب دعوت، مراحل دعوت و قلمرو دعوت را مورد بررسی قرار داده است؛ و مقاله «بررسی

۱. جمال، بقای بعد از مغول، ص ۳۷.

جایگاه و کارکرد «داعی الدعوات و مستجیب» در سازمان دعوت فاطمیان مصر» و مقاله «بررسی جایگاه و کارکرد داعی در سازمان دعوت فاطمیان مصر» که در هر دو مقاله تنها به بررسی مناصب یاد شده و شرح وظایف آنان در این سازمان پرداخته است. در این آثار هیچ اشاره‌ای به توانمندی‌ها و ویژگی‌های این سازمان نشده و فقط به مواردی چون عملکرد سازمان، ساختار آن، معرفی اعضای سازمان و وظایف آنان پرداخته شده است. تنها در مقاله «بررسی تطبیقی اهداف و اصول سازمان دعوت عباسیان و اسماعیلیان» از جعفر شریفی به چند مورد از ویژگی‌های این سازمان اشاره شده است. تمرکز اصلی این مقاله بر مقایسه سازمان دعوت عباسیان و اسماعیلیان می‌باشد و در کنار معرفی سازمان دعوت اسماعیلیان، به سازمان دعوت عباسیان و همچنین به اهداف این سازمان‌ها پرداخته است؛ لذا به طور مختصر به برخی از ویژگی‌های سازمان دعوت اسماعیلیان اشاره دارد و توجهی به شناخت دقیق این سازمان و ویژگی‌های برجسته آن به عنوان یک سازمان تبلیغاتی نداشته است. این مقاله گاه به ارائه داده‌های کلی که بیشتر مربوط به دوران پیش از فاطمیان است، بسنده نموده و از بحث عبور کرده است. ضمن این که از منابع اصیل و دست اول در حوزه سازمان دعوت، مثل رساله *الموجزة الکافیة* نیشابوری، بهره نبرده است. از این رو نگارندگان در نظر دارند با نگاهی متفاوت از سایر پژوهش‌ها، سازمان دعوت فاطمیان را به مثابه یک سازمان مدیریتی تشریح، و توانمندی‌های مؤثر و بهینه‌ساز آن را تحلیل نماید.

ویژگی‌های مؤثر بر بهبود عملکرد سازمان دعوت فاطمی

با توجه به این که فاطمیان در قلمرو حکومت خود آزادی مذهبی برقرار کرده بودند، نتوانستند مذهب اسماعیلیه را در آنجا به طور گسترده اشاعه دهند. اما وضعیت در خارج از قلمرو آنان به این شکل نبود. عقاید و اندیشه‌های اسماعیلی در نقاط مختلف جهان گسترش یافت و حتی بعد از افول خلافت فاطمی، آیین اسماعیلی به حیات خود ادامه داد و این تنها به دلیل موفقیت‌های چشمگیر سازمان دعوت آنان در خارج از مرزهای دولت

فاطمی بود.^۱ این سازمان به عنوان برجسته‌ترین و قوی‌ترین سازمان تبلیغاتی زمان خود، دارای ویژگی‌هایی بود که باعث بهبود و ارتقای عملکردش به ویژه در خارج از مرزهای خلافت فاطمی شد. این ویژگی‌ها را می‌توان به شرح ذیل بر شمرد:

۱. انضباط سازمانی

بدون انضباط، اجرای عملیات‌ها و طرح‌های مورد نظر هیچ سازمانی موفقیت‌آمیز نبوده، به تبع آن، تحقق اهداف سازمان میسر نخواهد شد. اسماعیلیان نیز که برای نیل به اهداف سیاسی و مذهبی خود به طرح‌ریزی یک سازمان تبلیغی پرداخته بودند، توانستند با برقراری نظم و انضباط در ارکان مختلف این سازمان، در پیشبرد اهداف خلافت فاطمی، به ویژه در خارج از قلمرو این خلافت، موفق‌تر عمل کرده، روند عملیات دعوت را تسریع بخشند. این نظام دقیق و منظم تبلیغاتی فاطمیان، نه فقط در میان دولت‌های هم‌عصر آنان، بلکه در تمام ادوار بی‌نظیر بوده و در هیچ دولتی چنین شیوه تبلیغاتی منظمی وجود نداشته است. سیستم تبلیغاتی مهم‌ترین دشمن فاطمیان، یعنی خلافت عباسی، بعد از به دست گرفتن قدرت و خلافت، برچیده شد اما سازمان دعوت فاطمی همچنان در میان وارثان دعوت اسماعیلی (یعنی کسانی که معروف به البهره و معروف به اسماعیلیان آقاخانیه هستند)، پا بر جاست.^۲

انضباط حاکم بر این سازمان تبلیغاتی به گونه‌ای بود که در ساختار دولت نیز برای آنان مقامات رسمی تعیین شده بود. فاطمیان به عنوان اولین کسانی شناخته شده‌اند که برای تبلیغات خود چنین انتظامی را فراهم آوردند.^۳ ثبات و دوام این ویژگی، یکی از علل موفقیت آنان در تبلیغ گسترده آیین اسماعیلی در قلمرو دشمن بود. یکی از مصادیق این

1. Daftary, *The Ismaili Da'wa outside the Fatimid Dawla*, p1.

۲. کامل حسین، فی أدب مصر الفاطمیة، ص ۴۱.

۳. همان.

انضباط را می‌توان در دسته‌بندی مبلغان این سازمان مشاهده کرد که هر یک بر اساس سطح معلومات، توانایی، شایستگی و تجاربی که در امر دعوت داشتند، از وظیفه، جایگاه و عنوان مشخصی نیز در دستگاه دعوت برخوردار بود. حمیدالدین کرمانی (م۴۱۱ق) داعی معروف عصر الحاکم بامرالله (۳۸۷-۴۱۱ق) خلیفه فاطمی، مراتب و مناصب سازمان دعوت را بعد از امام که در رأس قرار دارد، چنین آورده: باب (داعی الدعوات)، حجت، داعی بلاغ، داعی مطلق، داعی محصور، مأذون اکبر و مأذون محصور^۱ که برای هر یک وظیفه مشخصی عنوان شده است. این داعیان نیز در یک چهارچوب منظم و مرتبط با یکدیگر قرار می‌گرفتند به طوری که بر اساس تقسیم سال به دوازده ماه، دوازده حجت برای جزایر دوازده‌گانه تعیین می‌کردند.^۲ این تعیین حدود و اختیارات سلسله مراتب در سازمان، موجب می‌شد که هر شخص وظیفه خود را دانسته، آن را به درستی انجام دهد.

مصدق دیگر انضباط سازمانی فاطمیان تعیین مراحل آموزش در این سازمان بود؛ به این ترتیب که مبلغان برای انتقال تعالیم اسماعیلی به مخاطبین خود یک سیر مرحله‌ای منظم را در پیش می‌گرفتند. هر چند اسماعیلیان در متون خود، شاید به منظور رعایت قانون حفظ سر، از یک نظام تدریجی ثابت نامی نبرده‌اند^۳ اما تأکیداتی که آنان بر تعلیم گام به گام و مرحله‌ای مخاطبین خود دارند،^۴ نشان از قطعیت وجود یک نظم و ترتیب در روند تعلیم گروندگان است^۵ به طوری که منابع سنی که رویکرد ضد فاطمی داشتند،

۱. کرمانی، *راحة العقل*، ص ۲۵۴.

۲. قاضی نعمان، *تأویل الدعائم*، ج ۱، ص ۱۱۴.

۳. دفتری، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ص ۲۶۷.

۴. قاضی نعمان، *کتاب الهمّة فی آداب اتباع الأئمة*، ص ۱۳۷؛ *الحامدی الهمدانی، رسالة تحفة القلوب*

و *فرجة المکروب*، ص ۱۵۹.

۵. دفتری، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ص ۲۶۷.

مراحل تعلیم یک داعی اسماعیلی را دسته‌بندی کرده، برای هر مرحله نامی خاص به کار می‌برند.^۱ برای نمونه غزالی در کتاب *فضائح الباطنیة* روش آموزش فاطمیان را با عنوان «درجات حیل‌های اسماعیلیه» چنین تقسیم‌بندی نموده است: زرق و تفرس، تأنیس، تشکیک، تعلیق، ربط، تدلیس، تلبیس، خلع و سلخ.^۲ همچنین گزارش مقریزی از تشکیل جلسات متعدد متناسب با سطح افراد در قاهره^۳ و گزارش نیشابوری در خصوص لزوم تشکیل جلسات تعلیم متناسب با سطح داعیان - به این معنا که جدای از مستجیبان عامه، برای مستجیبان بالغ و مؤمن جلساتی را در خور سطح و توان آنان برگزار می‌کردند تا بتوانند به سوالات آنان پاسخ دهند^۴ - مهر تأییدی بر این ویژگی سازمان می‌باشد.

سازمان دعوت فاطمی تلاش دارد تا فرایند استقرار نظم را در حوزه جغرافیایی دعوت نیز برقرار سازد و برای تنظیم بهتر عملیات، یک تقسیم‌بندی جغرافیایی را حتی به صورت نمادین^۵ ارائه دهد. به همین منظور آنان حوزه دعوت خود را بر اساس تقسیم جهان به دوازده جزیره سامان دادند.^۶ قاضی نعمان در کتاب *تأویل الدعائم* این جزایر را چنین تقسیم کرده است: عرب، روم، صقالیه، نوبه، خزر، هند، سند، زنج، حبش، صین، دیلم و بربر.^۷ در منابع و مآخذ آن زمان شاهد و مدرکی بر وجود این تعداد جزیره در دست نیست^۸ و گاه در

۱. بغدادی، *الفرق بین الفرق*، ص ۲۲۸؛ غزالی، *فضائح الباطنیة*، ص ۲۱-۳۲.

۲. غزالی، *فضائح الباطنیة*، ص ۲۱-۳۲.

۳. مقریزی، *المواعظ و الاعتبار*، ج ۲، ص ۲۵۹.

۴. الحامدی الهمدانی، *رسالة تحفة القلوب و فرجة المکروب*، ص ۱۶۰.

۵. هالم، *فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان*، ص ۷۵.

۶. قاضی نعمان، *تأویل الدعائم*، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ابن طویر، *نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین*، ص ۷۷.

۷. قاضی نعمان، *تأویل الدعائم*، ج ۲، ص ۷۴ و ج ۳، ص ۴۸.

۸. هالم، *فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان*، ص ۷۵.

اسامی جزایر تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود؛^۱ اما اشاره به برخی جزایر و حجت‌های آنان در منابع گوناگون، شاهدی بر بهره‌گیری از چنین تقسیم‌بندی، ولو نمادین و متغیر است. برای مثال حمیدالدین کرمانی، حجت جزیره عراق و ملقب به حجت العراقین^۲ بود و کتاب وی با عنوان *المجالس البغدادیة و البصریة* گواهی بر این مطلب است؛^۳ همچنین اشارات متعدد ناصر خسرو (۴۸۱ق) در دیوان خود به عنوان حجت جزیره خراسان^۴ و مؤید فی الدین شیرازی (۴۷۰ق) به عنوان حجت جزیره فارس.^۵ این تقسیم‌بندی حاکی از تلاش برای استقرار نظم در تمام ارکان این سازمان است که خود موجب تنظیم بهتر عملیات در مسیر اصلی خود و حرکت سریع‌تر آن به سوی هدف می‌شد.

۲. برقراری نظارت و کنترل سازمانی

نظارت در لغت به معنای نظر کردن و نگریستن به چیزی و همین‌طور مراقبت، تحت نظر و دیده‌بانی داشتن بر کاری می‌باشد^۶ و در اصطلاح «نظارت مراقبت از آن است که انجام هر عمل مطابق برنامه‌ای باشد که برای اجرای آن طرح شده است».^۷ از آنجا که سازمان‌ها در مسیر برنامه‌ریزی برای نیل به اهداف خود ممکن است با موانع و محدودیت‌هایی مواجه شوند که موجب انحراف سازمان از مسیر خود شود و هر یک از این موانع ممکن است عاملی برای انحراف یا متوقف ساختن حرکت سازمان گردد؛ همواره باید

۱. غالب، *أعلام الاسماعیلیة*، ص ۲۰.

۲. القرشی، *عیون الأخبار*، ج ۶، ص ۲۴۹.

۳. واکر، حمیدالدین کرمانی، *تفکر اسماعیلی در دوره الحاکم بامرالله*، ص ۱۷.

۴. ناصر خسرو، *دیوان اشعار*، ص ۱۵۵، ۲۰۹، ۴۲۶.

۵. *المؤید فی الدین*، سیره، ص ۵۷.

۶. دهخدا، *لغت نامه*، ج ۱۳، ص ۱۹۹۴۶.

۷. افجه‌ای، *مدیریت اسلامی*، ص ۱۴۹.

از یک ساز و کار نظارتی برای حفظ عملکرد سازمان در جریان دستیابی به اهداف مشخص شده^۱ و تعیین انحرافات احتمالی سازمان استفاده شود.^۲

سازمان دعوت فاطمیان نیز تلاش نمود تا برای اطمینان از حرکت صحیح سازمان در مسیر تعیین شده و اجرای دقیق برنامه‌های آن به منظور دستیابی به اهداف خود به ویژه در خارج از قلمرو خلافت، تا جایی که امکان دارد نظارت و کنترل خود را بر کار سازمان اعمال کند. نظارت بر سازمان دعوت فاطمی، به دلیل وسعت دامنه تبلیغات آنان و نیز سری بودن امر دعوت، بسیار دشوار بود؛ اما شواهد حاکی از آن است که مرکز قاهره با دورترین جزایر هم در ارتباط نزدیک و دائمی بود و از وقایع و حوادثی که در آن جزایر رخ می‌داد دقیقاً آگاه بود.^۳ فاطمیان برای کسب آگاهی از روند عملیات در مناطق دوردستی که فرایند دعوت به صورت مخفیانه در آن جریان داشت، از شیوه‌های مختلفی مانند به کارگیری کبوتران نامه‌بر بهره می‌بردند؛^۴ اما نظارت اصلی را از طریق داعیان گمنامی اعمال می‌کردند که به صورت ناشناخته در سرزمین‌های اسلامی سفر کرده،^۵ اخبار را به مرکز انتقال می‌دادند و با این اطلاعات، روند کنترل و رهبری سازمان را بهبود می‌بخشیدند. اعمال این نظارت برای بقا و استمرار فعالیت سازمان در دیگر سرزمین‌ها بسیار ضروری بود؛ چرا که اگر داعی نمی‌توانست کار دعوت را مطابق موازینی که تعیین شده بود بگرداند، موجب شکست جبهه خلافت فاطمی در مناطق دشمن می‌شد. بنابراین فرایند نظارت هم بر متون و مباحثی که برای تعلیم و تدریس در سیر دعوت به افراد ارائه

۱. رضائیان، میان‌سازمان و مدیریت، ص ۴۹۵.

۲. استونر، مدیریت، ج ۱، ص ۲۱؛ رضائیان، اصول مدیریت، ص ۲۳۸.

۳. هالم، فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان، ص ۷۸.

۴. ابراهیم حسن و احمد شرف، عبیدالله المهدی امام الشیعة الاسماعیلیة، ص ۱۲۷ و ۱۳۸.

۵. هالم، فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان، ص ۷۷.

می‌شد و هم بر انتخاب و روند تعلیم داعیانی که مسؤول انتقال و گسترش این معارف بودند، اعمال می‌شد.

سازمان دعوت فاطمی برای ارائه محتوای مورد نظر خود به ویژه در قلمرو دشمن، می‌بایست یک ساز و کار نظارتی بسیار قوی بر متون و مباحثی که در این مناطق از طرف این سازمان ارائه می‌شد، داشته باشد. به همین منظور تقریر متون و مباحث مجالس شخصاً از جانب داعی الدعات صورت می‌گرفت و سپس به تأیید امام فاطمی می‌رسید که وی با گذاشتن امضا یا نشان خود بر پشت این متون آن را به تأیید نهایی می‌رساند^۱ و در صورت لزوم تغییراتی در آن اعمال می‌کرد؛ مانند مستنصر بالله که گاه برخی از فصول نوشته‌های داعیان را کم و زیاد می‌کرد.^۲ بنابراین بدون تأیید امام، این متون قابلیت ارائه نداشتند.^۳ این متون که منعکس‌کننده آخرین وضعیت معتقدات اسماعیلی بود، جمع‌آوری می‌شد و نسخه اصلاح‌شده آن برای داعیانی که در سراسر جهان اسلام در حال انجام مأموریت بودند، ارسال می‌شد تا اصول عقاید اسماعیلی در همه جا مطابق با نظریات امام و به نحو یکسان تعلیم داده شود.^۴

علاوه بر آموزه‌ها و مواد درسی سازمان، انتخاب افرادی که مسؤول گسترش این آموزه‌ها هستند نیز باید با دقت صورت گیرد. سازمان کنترل شدیدی بر انتخاب نیروی انسانی خود که مسؤول نشر دعوت در سرزمین‌های متخاصم هستند، اعمال می‌کرد و برای جذب نیروی جدید و تعلیم آن باید دقت فراوانی به خرج می‌داد و با تحقیقات پرزحمت از علم و صداقت آنان مطمئن می‌شد؛ به طوری که در متون اسماعیلی همواره بر

۱. مقریزی، *المواعظ و الاعتبار*، ج ۲، ص ۲۵۹؛ ابن طویر، *نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین*، ص ۷۶.

۲. غالب، *أعلام الاسماعیلیة*، ص ۵۲۴.

۳. مقریزی، *المواعظ و الاعتبار*، ج ۲، ص ۲۵۹-۲۶۰.

۴. هالم، *فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان*، ص ۷۳ و ۷۷.

شناخت فرد به فرد جامعه توسط مبلغ تأکید شده است.^۱ از همین روست که داعی فاطمی پیش از شروع آموزش، مخاطب خود را امتحان می‌کند و زمانی که از اشتیاق و همچنین هوش، ذکاوت، صداقت و دین‌داری وی اطمینان حاصل نمود، تعلیم خود را آغاز می‌کند. مراحل شناسایی افراد باید به گونه‌ای باشد که به قول نیشابوری «از خود شخص نسبت به احوال وی آگاه‌تر شود»^۲ و پس از شناخت کامل است که آموزش آغاز می‌شود.

نظارت بر روند تعلیم وی نیز اعمال می‌شود. هر داعی همواره مورد آزمایش و کنترل داعی بالادست خود بود تا زمانی که به اوج این ارتقای درجات یعنی به مرتبه حجت برسد.^۳ مبلغ تحت تعلیم نه تنها می‌بایست مورد تأیید استاد خود قرار گیرد بلکه سایر اعضا نیز باید وی را تأیید می‌کردند؛ نیشابوری در رساله *الموجزة الکافیة* بر این مسأله چنین تأکید کرده است: «و صار عند الجميع مرضياً» و در ادامه می‌گوید: «و من شهد علیه رجلاً مؤمناً بأنه لا یصلح للدعوة» که طبق آن، در تمام این مراحل، «اعتراض دو مؤمن» می‌توانست مبلغ را از ادامه مسیر بازدارد.^۴ این روند، بیانگر شدت نظارت بر روند تعلیم یک داعی اسماعیلی است که خود قرار است به عنوان یک مبلغ، به ویژه در خارج از قلمرو، امر آموزش به دیگران را بر عهده بگیرد؛ چرا که ناتوانی داعی در اجرای مأموریت خود مطابق موازین تعیین شده، موجب شکست دعوت می‌شد و به قول نیشابوری: «باعث از میان رفتن ایمان گروندگان می‌شد... و این امر به مجادله و کشمکش می‌انجامید و جزیره ویران می‌گشت».^۵

۱. قاضی نعمان، کتاب *الهمة فی آداب اتباع الأئمة*، ص ۱۳۷.

۲. الحامدی الهمدانی، *رسالة تحفة القلوب و فرجة المكروب*، ص ۱۶۱.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۶۱-۱۶۲.

۵. همان، ص ۱۷۱-۱۷۲.

۳. رعایت اصول مخفی کاری تشکیلاتی

رعایت اصول مخفی کاری تشکیلاتی یکی از وجوه ممتاز و اثرگذار سازمان دعوت فاطمی محسوب می‌شد؛ لذا یکی از مهم‌ترین اشتراکات داعیان فاطمی در همه مراتب دعوت، حفظ سر و تقیه بود. آنان پنهانی و در پوشش مشاغل مختلف مانند بازرگان، صوفی، زارع یا صنعت‌گر عملیات خود را پیش می‌بردند. تبحر آنان در این پنهان‌کاری چنان بود که عباسیان با وجود مراقبت‌های شدید بر ضد نفوذ اسماعیلیه، باز از پی بردن به حقیقت کار آنان درماندند.^۱

رعایت اختفا و پنهان‌کاری به عنوان یک دستورالعمل در تشکیلات دعوت آنان اجرا می‌شد و اعضای رده بالای سازمان مرتباً به داعیان خود، مکتوم و سری بودن دعوت را به عنوان یک قاعده و نسخه دستوری یادآورد می‌شدند. این ویژگی سازمانی را می‌توان نخستین عامل موفقیت آنان در انتشار دعوتشان دانست؛^۲ به طوری که با وجود فعالیت طولانی‌مدت و منظم و به هم پیوسته این سازمان و همچنین گستردگی آن در سرزمین‌های مختلف با وجود دشمنی‌های شدید بر ضد آن، مبلغین اسماعیلی ناشناخته باقی می‌ماندند.

پیروزی ابتدایی فاطمیان نیز به مدد همین تشکیلات مخفی به دست آمد.^۳ وجود سلسله‌ای از امامان مستور مقدم بر عبیدالله مهدی (۲۹۷-۳۲۲ق) موسس سلسله فاطمی، که منابع اسماعیلی از ذکر نام آن امامان مستور خودداری ورزیده‌اند،^۴ گواه این مطلب است. المعزالدین‌الله فاطمی (۳۴۱-۳۶۴ق) در رساله‌ای که برای جلم بن شیبان (م ۳۸۰ق)

۱. علی‌الحمد، *الدولة الفاطمية ببلاد المغرب*، ص ۷۳.

۲. الأعمش، *عبرية الفاطميين*، ۱۸.

۳. عنان، *الحاکم بامرالله و اسرار الدعوة الفاطمية*، ص ۲۵۳.

۴. زکار، *اخبار القرامطة*، ص ۶۲.

داعی سند ارسال کرد، با اشاره به نام مستعار عبدالله بن میمون القداح برای عبدالله بن محمد بن اسماعیل؛ این امر را راهی برای در امان ماندن از دشمنی‌های مخالفانشان به ویژه بنی‌عباس دانسته است.^۱ آنان به دلایل امنیتی حتی در مرکز خود در سلمیه، هیچ کوششی برای جذب اهالی آنجا به آیین اسماعیلی نمی‌کردند و این مقر به عنوان پایگاه فعالیت‌های بین‌المللی دعوت، کاملاً پوشیده نگه داشته می‌شد.^۲

داعیان نیز در پنهان داشتن نام و نشان امام خود نهایت احتیاط را به کار می‌بردند. آنان که در سرزمین‌های متخاصم به فعالیت مشغول بودند، دعوت و تبلیغ خود را با نهایت پوشیدگی آغاز می‌کردند؛ برای نمونه زمانی که قبایل کتامة از ابوعبدالله شیعی (م ۲۹۸ق) قصدش از سفر را جويا شدند وی پاسخ داد: «من می‌خواستم از راه حلال امرار معاش کنم، پس راه آن را تنها در آموزش قرآن به کودکان دیدیم...».^۳

پس از تشکیل خلافت فاطمی برای گسترش قدرت دینی و سیاسی فاطمیان به تمامی قلمرو اسلامی، پنهان‌کاری در تبلیغ، توسط داعیان در خارج از قلمرو خلافت به شدت رعایت می‌شد. جو خفقان‌آوری که بر ضد آنان در جامعه اسلامی جریان داشت، آنان را به رعایت شدید مسایل امنیتی برای حفظ جریان دعوت خود وامی‌داشت. لذا تشرف به این کیش با گرفتن عهد و پیمانی محکم از نوکیش آغاز می‌شد که وی را ملزم به پنهان کردن تمامی تعالیم از افراد غیرمجاز می‌نمود و این که این تعالیم تنها با اهل آن و کسانی که می‌توانند حافظ این امانت باشند در میان گذاشته شود.^۴ عدم رعایت این مسأله را موجب شکست دعوت در جزایر می‌دانستند؛ چنان که نیشابوری می‌آورد: «دعوت کننده

۱. القرشی، عبون الأخبار، ج ۵، ص ۱۶۱.

۲. کلم، خاطرات یک مأموریت، ص ۱۹.

۳. ابن عذاری، البیان المغرب، ج ۱، ص ۱۲۵.

۴. الحامدی الهمدانی، رسالة تحفة القلوب و فرجة المکروب، ص ۱۵۸.

باید حافظ سرّ باشد... و شاید افشای سرّ دین به معنای نابودی قوم و ویرانی جزیره باشد.^۱ این اختفای سرّ شامل همه طبقات داعیان می‌شد و در صورت زیر پا گذاشتن این قانون، نه تنها شخص خاطی را از مقام خود عزل می‌کردند بلکه وی را خارج از دین^۲ می‌شمردند.

جو خفقان‌آور ضد اسماعیلی و شرایط بحرانی مبلغ فاطمی در قلمرو دشمن ایجاب می‌کرد که شخص داعی و تمامی افرادی که با وی در ارتباط بودند، اصل پنهان‌کاری را رعایت کنند تا محل استقرار داعی از هر خطری در امان بماند. نیشابوری در رساله خود چنین بیان می‌دارد: «شایسته است که در اطراف داعی افراد رازدار و مؤمنی باشد، چنانچه شایسته دین و مقام دعوت باشند؛ چرا که در خانه داعی همواره ذکر علم و حکمت جاری است و جایز نیست که جز مؤمن آن را بشنود».^۳ و گاه به طور جداگانه با اشاره به وظایف افرادی که در خدمت داعی هستند، لزوم رعایت اصول مخفی‌کاری را گوشزد می‌کند مانند آن چه در مورد دربان خانه داعی بیان داشته است: «و شایسته است دربان او از انسان‌های اهل دین و مورد اطمینان و امینی باشد».^۴ و یا درباره کاتب وی می‌گوید: «شایسته است که کاتب داعی، مؤمن، دین‌دار و عفیف باشد چرا که بر اسرار داعی و اسرار دین آگاه است و جایز نیست که جز مؤمن بر اسرار دین آگاه باشد».^۵

در واقع داعیان فاطمی با اجرای یک استراتژی امنیتی و سری، راه‌های نفوذ را شناخته، با هوشیاری و احتیاط دائم، اهداف خود را پیش بردند به طوری که دشمنان آنان نیز به

۱. همان، ص ۱۵۰.

۲. همان، ص ۱۵۵.

۳. همان، ص ۱۶۴.

۴. همان، ص ۱۶۳.

۵. همان، ص ۱۶۴.

این مسأله واقف بوده، به آن اشاره می‌کردند؛ مانند غزالی که یکی از علل موفقیت و جذب زیاد افراد به این سازمان را در حفظ سر دانسته، چنین بیان می‌دارد: «اگر مردم سر دعوت اسماعیلی را می‌دانستند حتماً از آن‌ها متنفر می‌شدند، لکن داعیان اسماعیلی از سر و نیت خود به مستجیبان چیزی نمی‌گفته‌اند مگر بعد از آن که مراحل را طی می‌کردند و به عقیده آن‌ها معتقد می‌شدند و بعد از آن‌ها عهد و پیمان محکم گرفته می‌شد».^۱

۴. فعالیت مستمر و فراگیر

همواره استمرار در هر فعالیتی موجب تقویت آن و سپس به بار نشستن اهداف آن خواهد شد. استمرار در امر دعوت از جمله ویژگی‌های ممتاز سازمان دعوت فاطمیان است. بر خلاف عباسیان که پس از رسیدن به قدرت از تشکیلات دعوت خود فاصله گرفتند،^۲ فاطمیان نمی‌توانستند سازمان دعوت خود را رها کنند؛ چرا که این تشکیلات برای فاطمیان به مانند یک سلاح ایدئولوژیک عمل می‌کرد و به عنوان اساس خلافت فاطمی، وجه امتیاز آن از سایر سازمان‌ها و تشکیلات محسوب می‌شد.^۳

این سازمان از آغاز تشکیل فرقه اسماعیلی تا به ثمر نشستن خلافت فاطمی در مغرب و سپس مصر، بدون وقفه فعالیت می‌کرد. شرایط و اوضاع نامناسب نیز در شایستگی و قابلیت این سازمان در پیشبرد اهداف خلافت فاطمی خللی به وجود نمی‌آورد و در دورافتاده‌ترین نقاط و تحت هر شرایطی به کار خود ادامه می‌داد.^۴ برای مثال با وجود تعطیلی مجالس الحکمه و وقفه‌های چندماهه در برگزاری آن در عصر الحاکم^۵ و به وجود

۱. غزالی، فضائح الباطنیة، ص ۳۳.

۲. کامل حسین، فی أدب مصر الفاطمیة، ص ۴۱.

۳. ابن طویر، نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین، ص ۷۵-۷۶.

۴. هالم، فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان، ص ۸۹.

۵. مقریزی، المواعظ و الاعتبار، ج ۲، ص ۲۶۰.

آمدن شرایط ناگوار در این خلافت، هیچ نشانه‌ای از متوقف یا منقطع شدن فعالیت سازمان دعوت در خارج از قلمرو فاطمی در دست نیست.^۱

علاوه بر این استمرار، فراگیری و گسترده‌گی دعوت اسماعیلی در نقاط مختلف، از دیگر وجوه ممتاز این سازمان است. مبلغین اسماعیلی بر این باور بودند که تمام سرزمین‌ها باید از وجود آن‌ها به‌رمند گردد.^۲ خلافت فاطمی از آغاز شکل‌گیری، حکمرانی بر تمام قلمرو اسلامی را مد نظر قرار داده بود^۳ به طوری که عبیدالله مهدی در نامه خود به قرامطه چنین نوشت: «باید در ولایت‌عهده‌ی ما منزل کنید یعنی در سرزمین‌های بنی امیه در شام و در خانه‌های بنی عباس در عراق...»^۴ لذا امر دعوت به طور نظری و چه بسا به طور عملی در عالم واقع هم، در تمام سرزمین‌های اسلامی گسترده بود.^۵

اشارات و ارجاعات متعددی به «اهل الدعوة» و یا «اهل الدعوة الهادیة» و ذکر مکان‌های جغرافیایی بس متفرقی چه در شرق و چه در غرب، عرض و طول وسعت دامنه عملیات و فعالیت‌های دعوت را بر ما آشکار می‌سازد.^۶ دعوت فاطمی در مرکز خلافت عباسی به عنوان اصلی‌ترین رقیب فاطمیان نیز رسوخ کرده بود به طوری که در سال ۳۹۸ قمری در بغداد، فریاد: «یا حاکم، یا منصور» به حمایت از خلیفه فاطمی الحاکم بامرالله (۳۸۷-۴۱۱ق) برخاست و موجب وحشت خلیفه عباسی القادربالله (۳۸۱-۴۲۲ق) شد.^۷

۱. واکر، حمیدالدین کرمانی، تفکر اسماعیلی در دوره الحاکم بامرالله، ص ۱۱.

۲. خوانساری، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳. دخیل، الدولة الفاطمیه، الدور السیاسی و الحضاری للأسرة الجمالیة، ص ۱۷.

۴. مقریزی، المقفی الکبیر، ج ۴، ص ۳۱۵.

۵. واکر، حمیدالدین کرمانی، تفکر اسماعیلی در دوره الحاکم بامرالله، ص ۱۱.

۶. همان، ص ۵۹.

۷. ابن الدواداری، کنز الدرر و جامع الغرر، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الأمم و

الملوک، ج ۱۵، ص ۵۹.

حمیدالدین کرمانی در رساله *المصابیح* می‌گوید: «دعوت به نام امیرالمؤمنین الحاکم بامرالله در همه جا وجود دارد و هیچ مملکت و یا بخشی از خطه اسلامی نیست که داعی در آنجا مردم را به نام این امام، به پرستش خداوند و اقرار به وحدانیت مطلق او دعوت نکند، چه به طور علنی در آنجا که میسر است و چه به صورت سری در آنجا که میسر نیست».^۱

پیش از این نیز المعز فاطمی پس از فتح مصر در نامه خود خطاب به حسن بن احمد قرمطی (م ۳۶۶ق)^۲ گستردگی دعوت فاطمی را چنین بیان می‌دارد: «پس هیچ جزیره و اقلیمی در زمین نیست مگر این که ما در آنجا حجت‌ها و داعیانی داریم که برای ما دعوت و مردم را به سوی ما هدایت می‌کند».^۳ المعز در جای دیگر با تأیید سخن قاضی نعمان (م ۳۶۳ق) مبنی بر این که هر منطقه‌ای یک «جناح» یا شاخه‌ای از دعوت را داراست، این امر را برای جذب پیروان بیشتر، به ویژه افرادی که در سرزمین‌های دور از خلافت هستند، ضروری می‌داند.^۴

۵. تمرکز سازمانی دعوت فاطمیان

«تمرکز^۵ به میزانی که تصمیم‌گیری در یک نقطه واحد سازمان متمرکز شود»، اطلاق می‌شود.^۶ بنابراین زمانی که تصمیمات در رده بالای ساخت سازمانی اخذ گردد، سازمان کاملاً متمرکز قلمداد خواهد شد.^۷ در یک ساختار کاملاً متمرکز، همه قدرت تصمیم‌گیری

۱. کرمانی، *المصابیح فی اثبات الامامة*، ص ۱۴۵-۱.

۲. ملقب به اعصم، از رهبران قرمطیان بحرین در قرن چهارم.

۳. مقریزی، *اتعاظ الحنفا*، ج ۱، ص ۱۹۶.

۴. قاضی نعمان، *المجالس والمسایرات*، ص ۴۶۷-۴۶۸.

5. Centralization.

۶. رایبنز، *تئوری سازمان*، ص ۱۰۶.

۷. رحمان سرشت، *تمرکز و عدم تمرکز سازمانی*، ص ۱۱؛ درویش و حیدری، *سازماندهی و اصلاح*

تشکیلات و روش‌ها، ص ۱۳۰؛ رضائیان، *اصول مدیریت*، ص ۱۵۵.

در پایگاه معینی در سازمان و در نهایت در دست یک شخص قرار دارد. لذا تمرکز را می‌توان مطمئن‌ترین ابزار برای هماهنگ کردن تصمیم‌گیری در سازمان دانست.^۱ اشاره به این نکته نیز ضروری است که تفکیک جغرافیایی یک سازمان، موجب عدم تمرکز در آن سازمان نمی‌گردد، چرا که تمرکز به میزان پراکندگی اختیارات تصمیم‌گیری برمی‌گردد نه به تفکیک جغرافیایی سازمان.^۲

با تعمق در نظام دعوت خلافت فاطمی، با وجود گستردگی آن در سرزمین‌های مختلف، این تمرکز به وضوح قابل مشاهده است. آموزه‌های اسماعیلی بیانگر مرکزیت و محوریت جایگاه و مقام امامت در این نظامند. در رأس بودن امام اسماعیلی در نظام فاطمیان^۳ و به تبع آن فصل الخطاب بودن نظر امام و پیروی و اطاعت محض داعیان از وی، خود بیانگر ساختار متمرکز سازمان دعوت فاطمی است.

بر خلاف نظریه کلاسیک مسلمانان که در آن حوزه‌های قدرت تقسیم می‌شد، در نظام فاطمیان تمام این قدرت‌ها در شخص خلیفه متمرکز است؛^۴ لذا در آیین آنان، جدایی و حد فاصلی بین امور دینی و مسایل سیاسی و اداری وجود ندارد. هر دو قدرت دینی و دنیوی تحت سلطه خلیفه فاطمی است^۵ و تمام تشکیلات سیاسی در دولت فاطمی، انعکاسی از عقیده و بعد معنوی مذهب اسماعیلی است.^۶

۱. مینتزرگ، سازماندهی: پنج الگوی کارساز، ص ۱۴۸.

۲. رایبیز، تئوری سازمان، ص ۱۰۶.

۳. ابن طویر، نزهة المقاتلین فی اخبار الدولتین، ص ۳۶.

۴. مشرفه، نظم الحکم بمصر فی عصر الفاطمیین، ص ۵۴.

۵. همان، ص ۶۵.

۶. ابن طویر، نزهة المقاتلین فی اخبار الدولتین، ص ۷۵-۷۶.

خلیفه فاطمی به عنوان رکن دین و اساس مذهب اسماعیلی است که همه حول محور وی در گردش بودند.^۱ امام که تنها از طریق فرمان و نص الهی برگزیده شده بود، واجب الاطاعه به شمار می‌رفت^۲ و به عنوان وارث انبیا و امامان پیشین، تنها دارنده علم الهی محسوب می‌شد.^۳ بنابراین خلیفه فاطمی به عنوان تنها تعیین‌کننده خط مشی سازمان و تنها منبع موثق و انحصاری برای تصمیم‌گیری در سازمان شناخته می‌شد.^۴ از همین رو دستورالعمل‌های اصلی سازمان توسط وی صادر می‌شد و انجام هر فعالیتی مستلزم اجازه و دستور از جانب ایشان بود و اقدام خودسرانه در این سازمان جایگاهی نداشت. در امور آموزش دینی هم امام هسته اصلی تصمیم‌گیری بود و هیچ مقام دینی بدون کسب اجازه از امام حق تعلیم مبانی اصولی دین را نداشت.^۵

این مرکزیت و محوریت در نظام دعوت فاطمیان که موجب تنظیم و هماهنگی بهتر در امر دعوت بود، همواره از جانب مبلغین تأیید و تشدید می‌شد. آن چه می‌توانست مرکزیت سازمان دعوت فاطمی را تقویت کند، تحکیم جایگاه امام به عنوان مرکز ثقل این سازمان و به تبع آن، افزایش سرسپردگی پیروان اسماعیلی نسبت به امام بود. بنابراین «تمام تلاش و توجه سازمان دعوت به سمت تأیید حق مطلق خلیفه فاطمی به عنوان اساس و پایه کل نظام خلافت، در ولایت و سرپرستی امر مسلمانان بود». ^۶ لذا داعیان همواره امام را نماینده، ولی و شفیع خدا بر روی زمین، مفسر اول شرع و دین و منبع و

۱. الشیال، مجموعه الوثائق الفاطمیة، ص ۲۲.

۲. المؤید فی الدین، دیوان، ص ۷۱.

۳. قاضی نعمان، المجالس و المسایرات، ص ۱۳۶ و ۲۷۲.

۴. دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۰۲.

۵. واکر، حمیدالدین کرمانی، تفکر اسماعیلی در دوره الحاکم بامرالله، ص ۵۹.

۶. ماجد، نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر، ج ۱، ص ۱۷۸.

مصدر تمام علوم معرفی می‌کردند.^۱ آنان با به کارگیری مستندات قرآنی و روایی، سعی در اثبات واجب‌الاطاعه بودن خلیفه فاطمی به عنوان وارث پیامبر ﷺ داشتند^۲ تا از این طریق اصل تسلیم بودن و اطاعت کردن از امام را توجیه کنند.^۳ به همین دلیل قاضی نعمان در کتاب *الهمه فی آداب اتباع الأئمة* که برای مبلغان و داعیان فاطمی به نگارش درآورده، بخشی را با این عنوان آغاز می‌کند: «در بیان آن چه که بر همه بندگان واجب است از جمله سپردن همه امور به ائمه اطهار ﷺ» و در ذیل آن چنین بیان می‌دارد: «بر مؤمنان تسلیم و اطاعت از ائمه در اعمال و نیات خود واجب است». ^۴ نیشابوری نیز در رساله *الموجزة الکافیة فی آداب الدعاة* خطاب به داعیان سازمان تبلیغی فاطمی چنین بیان می‌دارد: «و داعی، آن‌ها (مردم) را به خشنودی و تسلیم نسبت به افعال امام ﷺ، اوامر و نواهی و احکام او وادارد و این که به چیزی از آن‌ها (امامان) اعتراض نکنند و بدانند که همه آن‌ها بر اساس حکمتی روشن است که اگر در حال حاضر حکمت آن را درک نمی‌کنند در آینده آن را خواهند یافت، پس آن‌ها اگر بدانند که امام ﷺ حکیم زمان است پس شایسته است که متوجه باشند که تمام افعال امام حکیمانه است، اگر چه وجه حکمت را درک نکنند، پس افعال امام ﷺ این چنین است».^۵

۱. ابن طویر، *نزہة المقلتین فی اخبار الدولتین*، ص ۳۹.

۲. قاضی نعمان، *المجالس و المسایرات*، ص ۱۸۳؛ همو، *کتاب الهمه فی آداب اتباع الأئمة*، ص ۱۳۶؛ المؤید فی الدین، *المجالس المؤیدية*، ج ۱، ص ۱۷؛ همو، *دیوان*، ص ۷۰؛ همو، *سیره*، ص ۲۶.

۳. کلم، *خاطرات یک مأموریت*، ص ۱۵۰.

۴. قاضی نعمان، *کتاب الهمه فی آداب اتباع الأئمة*، ص ۷۴.

۵. الحامدی الهمدانی، *رسالة تحفة القلوب و فرجة المکروب*، ص ۱۷۰.

آنان با بیان احادیث و آیات مختلف، وفاداری به ائمه اسماعیلی^۱ و محبت و مودت به ایشان را واجب اعلام کرده،^۲ شکستن عهد و مخالفت با آنان را در حکم مخالفت و شکستن عهد با خداوند دانستند^۳ و از این طریق تلاش نمودند تا ترس و واهمه‌ای برای جلوگیری از مخالفت، اعتراض و یا انتقاد نسبت به امام و اقداماتش ایجاد کنند. قاضی نعمان، اتباع خلیفه فاطمی و امام اسماعیلی را به تأدیب نفس فرامی‌خواند که همواره موافق اراده و خواست امام باشد و این که مبادا در خفا و آشکار، نفس آنان خلاف خواست و اراده ائمه عمل کند و به شدت آنان را از این مسأله بر حذر می‌دارد.^۴ وی حتی ترس از ائمه را به مانند ترس از خداوند واجب دانسته است به این شرح که خداوند طاعت ایشان را به مانند طاعت خود قرار داده و آنان را واسطه بین خود و خلق نموده، پس رضای ائمه متصل با رضای خداوند است و خشم ایشان نیز خشم خداوند است. و در نهایت وی این ترس را موجب ارتقای مقام و منزلت ائمه می‌داند.^۵

۶. تقسیم کار و هماهنگی در سازمان

یکی از ویژگی‌های مؤثر سازمان دعوت فاطمی، تقسیم کار بین اعضای سازمان و در عین حال برقراری هماهنگی بین وظایف این اعضا بود که موجب تسریع و تنظیم روند دعوت و همچنین نظارت بهتر بر سازمان می‌شد. به عقیده میتزبرگ^۶ «هر فعالیت سازمان یافته انسانی، از سفال‌گری تا پیاده کردن انسان در کره ماه، نیازمند دو شرط

۱. قاضی نعمان، کتاب الهمّة فی آداب اتباع الأئمة، ص ۷۴.

۲. همان، ص ۴۰.

۳. همان، ص ۷۸-۷۹ و ۴۷.

۴. همان، ص ۹۰.

۵. همان، ص ۷۸.

۶. استاد مدیریت دانشگاه مک گیل مونترال و از مهم‌ترین نظریه‌پردازان مدیریت.

پایه‌ای و در همان حال ناسازگار با یکدیگر است. این دو شرط عبارتند از تقسیم کار میان وظیفه‌های گوناگون و هماهنگ کردن این وظیفه‌ها به گونه‌ای که امکان تحقق یافتن کار را فراهم کند.^۱ بنابراین تقسیم فعالیت‌ها به اجزای قابل اجرا و واگذاری آن به هر یک از افراد سازمان ضروری است^۲ و تخصص نیز به عنوان یک عامل افزایش بهره‌وری، از طریق تقسیم کار صحیح به دست می‌آید.^۳ در واقع تقسیم کار به عنوان یک قانون طبیعی برای حصول نتیجه بهتر،^۴ بهبود عملکرد، افزایش مهارت افراد،^۵ عدم تداخل و تکرار اقدامات و وظایف اعضا و افزایش کارایی در اثربخشی سازمان صورت می‌گیرد.^۶ بنابراین همه سازمان‌های هدفمند از تقسیم کار بهره می‌برند.^۷ علاوه بر این «یک تقسیم کار خوب نیز با در نظر گرفتن زنجیره‌هایی از اهداف، هدف‌های عملکردی هر سطح را به مثابه ابزاری برای دستیابی به هدف‌های عملکردی سطح بالا به کار می‌گیرد».^۸

علاوه بر تقسیم کار، لزوم ایجاد هماهنگی بین وظایف و اعضای سازمان نیز امری بدیهی است.^۹ «هماهنگی، مجموعه‌ای از مکانیزم‌های ساختاری و انسانی است که برای مرتبط ساختن اجزای هر سازمان با یکدیگر، برای تسهیل کسب اهداف طراحی

۱. مینتزرگ، سازماندهی: پنج الگوی کارساز، ص ۳.

۲. درویش و حیدری، سازماندهی و اصلاح تشکیلات و روش‌ها، ص ۱۱۵.

۳. همان، ص ۱۲۲.

۴. همان.

۵. حاتمی‌علمداری، تئوری مدیریت علمی در سازمان‌ها، ص ۸.

۶. رابینز، مبانی رفتار سازمانی، ص ۲۶۹.

۷. رضائیان، مبانی سازمان و مدیریت، ص ۱۰.

۸. همان.

۹. درویش و حیدری، سازماندهی و اصلاح تشکیلات و روش‌ها، ص ۱۱۵.

می‌شود.^۱ توفیق سازمان در دستیابی به اهداف تعیین‌شده، تا حد زیادی تابع ایجاد هماهنگی در نحوه اجرای امور سازمان در واحدهای مختلف می‌باشد.^۲

سازمان دعوت فاطمی متشکل از سلسله مراتبی از افراد است که فعالیت‌ها و وظایف، بر اساس تخصص، بین آنان تقسیم شده است و علاوه بر این تقسیم‌بندی، ارتباط منطقی و منظم و همین‌طور هماهنگی مناسب بین وظایف و فعالیت‌های آنان وجود دارد. داعیان فاطمی که در یک سلسله مراتب مشخص قرار دارند، در وظایف مختلف در پی هدف مشترک قدم برداشته، همسو و منطبق با اهداف سازمان فعالیت می‌کنند. تقسیم فعالیت بین اعضای این سازمان را که تحت ریاست امام و خلیفه فاطمی بود،^۳ می‌توان به وضوح در آثار داعیان برجسته آنان مشاهده کرد. برای نمونه حمیدالدین در کتاب *راحة العقل* در یک جدول، اسامی مناصب سازمان دعوت و وظایف هر یک را به این صورت ارائه داده است:

باب الابواب یا داعی الدعات: رتبه فصل الخطاب؛

حجت: وظیفه حکم از نظر حق و باطل؛

داعی البلاغ: وظیفه احتجاج با مخالفان و تعریف معاد؛

داعی مطلق: وظیفه تعریف حدود علوی و عبادات باطنی؛

داعی محدود: وظیفه تعریف حدود سفلی و عبادات ظاهری؛

مأذون مطلق: وظیفه اخذ عهد و میثاق؛

مأذون محدود یا مکاسر: وظیفه جذب روحی مستجیبان و نوکیشان برای درآمدن به

کیش اسماعیلی.^۴

۱. رضائیان، اصول مدیریت، ص ۱۶۳.

۲. حاتمی‌علمداری، تئوری مدیریت علمی در سازمان‌ها، ص ۸۴.

۳. غالب، اعلام الاسماعیلیه، ص ۲۴.

۴. کرمانی، راحة العقل، ص ۲۵۶.

هماهنگی میان این مناصب را نیز می‌توان از سخنی دریافت که درباره داعیان مکاسر می‌گفتند. در مورد این داعیان که به آنان مکالب نیز می‌گفتند،^۱ آمده است: «آن را سگ می‌نامند به علت شباهتش به سگ شکاری که شکار را نگه می‌دارد برای شکارچی»؛ یعنی همان گونه که سگ، شکاری را حبس و توقیف کرده تا صاحبش رسیده، تسلیم او بنماید این داعی هم به سبب تشکیلاتش، مدعو را در حیرت انداخته و او را تسلیم داعی مرتبه بعد می‌کند.^۲

در دوره‌های مختلف در این مراتب، تغییراتی صورت گرفت،^۳ اما همواره این تقسیم کار و هماهنگی بین آنان پا بر جا بود. این ارتباط و هماهنگی در میان آنان از پایین‌ترین سطح تا بالاترین آن برقرار بود تا یک مستجیب را جذب سازمان نمایند و سپس از وی در مقام یک داعی در جهت نشر دعوت اسماعیلی بهره ببرند. بنابراین علاوه بر تقسیم وظایف در سازمان دعوت فاطمی، هماهنگی موجود بین این وظایف، موجب هم‌جهت شدن داعیان در مسیر اصلی سازمان و وحدت کلمه آنان، و در نتیجه افزایش بهره‌وری، سهولت و تسریع در روند دعوت می‌شد.

۷. لزوم پیروی اعضا از زنجیره فرمان

منظور از زنجیره فرمان «یک خط ناگسسته از اختیارات سازمانی است که از رأس هرم سازمان به پایین‌ترین سطوح کشیده و به روشنی مشخص می‌شود که افراد در برابر چه کسانی مسؤول هستند و گزارش کار خود را باید به چه کسی بدهند».^۴ حاصل این زنجیره که از رده بالای سازمان شروع و به افراد جزء ختم می‌شود، وحدت مدیریت در سازمان

۱. غالب، اعلام الاسماعیلیه، ص ۲۲.

۲. فرقانی، تاریخ اسماعیلیان قهستان، ص ۱۴۹.

۳. همان، ص ۱۴۲-۱۴۴.

۴. حقیقی و مؤمن، سازماندهی و اصلاح تشکیلات و روش‌ها، ص ۵۵.

است.^۱ اگر این وحدت خدشه‌دار شود، موجب سردرگمی اعضای سازمان^۲ و در نتیجه متزلزل شدن سازمان خواهد شد.

همان گونه که ذکر شد بنای سازمان دعوت فاطمی نیز به صورت سلسله مراتب است که نمایانگر یک خط فرمان و مسیر دستور در این سازمان است که از امام اسماعیلی آغاز می‌شد. احترام به این سلسله مراتب و رعایت زنجیره فرمان حاکم بر آن، در دستگاه خلافت فاطمی بسیار حایز اهمیت بود و این خود یک عامل برای ارتقای سطح عملکرد سازمان و بهبود روند دعوت در سرزمین‌های دیگر می‌شد. لذا رعایت این مسیر دستور الزامی بود و احترام به این سلسله مراتب در دستور کار کارگزاران فاطمی قرار می‌گرفت.^۳ داعیان فاطمی از همان آغاز کار خود، رعایت زنجیره فرمان و سلسله مراتب را به زیردستان خود تفهیم می‌کردند و گوشزد می‌کردند که ارتباط با مقام بالاتر فقط باید از طریق واسطه و میانجی مشخص شده باشد.^۴ در صورت عدم رعایت این مسأله، با فرد خاطی برخورد می‌شد؛ مانند برگرداندن نامه والی شام بدون قرائت آن توسط المعز فاطمی که والی بدون رعایت زنجیره فرمان و سلسله مراتب مابین خود و خلیفه مستقیماً با وی مکاتبه کرد.^۵ حمیدالدین کرمانی نیز در اهمیت این موضوع چنین نگاشته است: «اطاعت و فرمان برداری از امامان که بالاترین مراجعند، جز با پیروی از کسانی که در مرتبه پایین‌تر برای هدایت مردم قرار دارند، چه از دور و چه از نزدیک، چه در ظاهر و چه در باطن اعتبار ندارد. بنابراین مؤمنان باید به واسطه آن‌ها، تسلیم و اطاعت خود از امام را اظهار بدارند».^۶

۱. حاتمی علمداری، تئوری مدیریت علمی در سازمان‌ها، ص ۸.

۲. حقیقی و مؤمن، سازماندهی و اصلاح تشکیلات و روش‌ها، ص ۵۶.

۳. جان احمدی، ساختار نهاد دینی فاطمیان در مصر، ص ۲۷۷.

۴. کلم، خاطرات یک مأموریت، ص ۱۴۹.

۵. متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم (رئسانس اسلامی)، ج ۱، ص ۲۶.

۶. کرمانی، رساله الوضیة فی معالم الدین، ص ۱۴۱.

نتیجه

مهارت و شایستگی هر سازمانی مستلزم دارا بودن ویژگی‌هایی است که موجب ارتقا و پیشرفت آن سازمان گردد. عملکرد موفق سازمان دعوت فاطمیان در پیشبرد اهداف این خلافت، به ویژه گسترش دعوت و تعالیم اسماعیلی در خارج از مرزهای این خلافت، نیز متأثر از ویژگی‌های این سازمان است که برخی از آن بدین قرار است: حاکم بودن نظم و انضباط بر سازمان که از بروز هرج و مرج در سازمان دعوت جلوگیری کرده، موجب هماهنگی و پیوستگی امر دعوت و به تبع آن تسریع در رسیدن به اهداف سازمان می‌شد. تمرکز در این سازمان که اشاره به مرکزیت و محوریت جایگاه امام در این سازمان دارد و تحکیم موقعیت امام و به تبع آن تحکیم تعالیم بنیادی اسماعیله را در پی داشت و موجب یکدستی و وحدت در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای سریع‌تر این فرامین و نظم و هماهنگی در برنامه‌ها می‌شد. تقسیم کارها بین اعضای سازمان و ایجاد هماهنگی بین وظایف آنان که موجب افزایش بهره‌وری، سهولت و تسریع در روند دعوت می‌شد. لزوم احترام به سلسله مراتب و رعایت زنجیره فرمان حاکم بر سازمان که موجب تقویت وحدت فرماندهی و اجرای منظم عملیات دعوت می‌شد. وجود نظارت سازمانی بر عملیات دعوت در مناطق مختلف، چه در زمینه متون و مباحثی که برای ارائه عرضه می‌شد و چه بر داعیانی که این تعالیم را عرضه می‌کردند که موجب حفظ جریان دعوت در مسیر معین خود و مانع از انحراف آن می‌گردید. مداومت در امر دعوت از جانب داعیان اسماعیلی و فراگیر بودن آن در سرزمین‌های مختلف اسلامی که موجب حفظ تعالیم اسماعیلی تا به امروزه شده است. همچنین پنهان‌کاری تشکیلاتی که موجب دوام و بقای این سازمان در طول چندین قرن و در سرزمین‌های مختلف به ویژه در مناطق متخاصم شد.

منابع

۱. ابراهیم حسن، حسن و طه احمد شرف، عبیدالله المهدي امام الشيعة الاسماعيلية و مؤسس الدولة الفاطمية في بلاد المغرب، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية، ۱۳۶۶ق.
۲. ابن الدوادري، ابوبكر بن عبدالله، كنز الدرر و جامع الغرر، تحقيق بيرند راتكه، قاهره: مكتبة المويد، ۱۴۲۲ق.
۳. ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي، المنتظم في تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، محمد عبدالقادر عطا، نعيم زرزور، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۲ق.
۴. ابن طوير، ابومحمد عبدالسلام، نزهة المقاتنين في اخبار الدولتين، تحقيق ايمن فؤاد سيد، بيروت: دارالنشر، فرانتس شتاينز شتوتغارت: دارصادر، ۱۴۱۲ق.
۵. ابن عذارى مراكشي، احمد بن محمد، البيان المغرب في اختصار أخبار ملوك الأندلس و المغرب، تحقيق و مراجعه ج.س. كولان و إ. ليفي پرونسال، بيروت: دارالتقافة، بی تا.
۶. استونر، جيمز آرتور فينج و ديگران، مدیریت، ترجمه علی پارسایان، محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۵.
۷. الأعظمی، محمد حسن، عبقرية الفاطميين: اضواء على الفكر و التاريخ الفاطميين، مقدمه عارف تامر، بيروت: مكتبة الحياة، بی تا.
۸. افجه ای، علی اکبر، مدیریت اسلامی، تهران: جهاد دانشگاهی، واحد علامه طباطبایی، ۱۳۸۳.
۹. بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بين الفرق، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۹۷۱م.
۱۰. جان احمدی، فاطمه، ساختار نهاد دینی فاطمیان در مصر، تهران: علم، ۱۳۸۸.
۱۱. جمال، نادیا، بقای بعد از مغول: نزاری قهستانی و تداوم سنت اسماعیلیه در ایران، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۲.
۱۲. حاتمی علمداری، لیدا، تئوری مدیریت علمی در سازمان ها، تهران: انتشارات ماهواره، ۱۳۹۵.
۱۳. الحامدی الهمدانی، حاتم بن ابراهیم، رسالة تحفة القلوب و فرجة المكروب: اوكتاب تحفة القلوب في تربية الهداة و الدعاة في جزيرة اليمن، تحقيق عباس همدانی، بيروت: دارالساقی، معهد الدراسات الاسماعيلية، ۲۰۱۲م.

۱۴. حقیقی، محمدعلی و زهرا مؤمن مایانی، *سازماندهی و اصلاح تشکیلات و روش‌ها*، تهران: ترمه، ۱۳۸۱.
۱۵. خوانساری، محمدباقر بن زین‌العابدین، *روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات*، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران: نشر اسلامی، ۱۳۵۶.
۱۶. دخیل، محمد حسن، *الدولة الفاطمية، الدور السياسي و الحضاری للأسرة الجمالیة*، بیروت: مؤسسه الانتشارات العربی، ۲۰۰۹م.
۱۷. درویش، حسن و اصغر حیدری، *سازماندهی و اصلاح تشکیلات و روش‌ها*، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۱.
۱۸. دفتری، فرهاد، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۶.
۱۹. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲۰. رابینز، استیفن، *تئوری سازمان (ساختار و طرح سازمانی)*، ترجمه مهدی الوانی، حسن دانایی فرد، تهران: صفار، ۱۳۹۱.
۲۱. — مبنای رفتار سازمانی، ترجمه دکتر قاسم کبیری، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۶.
۲۲. رحمان سرشت، حسین، *تمرکز و عدم تمرکز سازمانی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۲.
۲۳. رضائیان، علی، *اصول مدیریت*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۱.
۲۴. — مبنای سازمان و مدیریت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰.
۲۵. زکار، سهیل، *اخبار القرامطة فی الأحساء - الشام - العراق - الیمن، الرياض: دارالکوثر*، ۱۴۱۰ق.

۲۶. الشیال، جمال الدین، *مجموعه الوثائق الفاطمیة: وثائق الخلافة و ولاية العهد و الوزارة*، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۲۲ق.
۲۷. علی الحمد، عادلہ، *الدولة الفاطمیة ببلاد المغرب*، قاهره: دار و مطابع المستقبل، ۱۹۸۰م.
۲۸. عنان، محمد عبدالله، *الحاكم بامرالله و اسرار الدعوة الفاطمیة*، قاهره: مكتبة الخانجي، دارالرفاعي بالرياض، ۱۴۰۱ق.
۲۹. غالب، مصطفى، *أعلام الاسماعیلیة*، بیروت: دارالبيقظة العربية، ۱۹۶۴م.
۳۰. غزالی، أبو حامد محمد، *فضائح الباطنیة*، تحقیق عبدالرحمن بدوی، مصر: وزارة الثقافة، ۱۳۸۳ق.
۳۱. فرقانی، محمد فاروق، *تاریخ اسماعیلیان قهستان*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵.
۳۲. قاضی نعمان، ابوحنیفه محمد، *تأویل الدعائم*، تحقیق محمد حسن الاعظمی، قاهره: دارالمعارف، ۱۳۵۱ق.
۳۳. _____، *كتاب الهمة فی آداب اتباع الأئمة*، نشر و تحقیق محمد کامل حسین، دارالفکر العربی، بی تا.
۳۴. _____، *المجالس و المسایرات*، تحقیق الحیب الفقی، ابراهیم شبح، محمد البعلاوی، بیروت: دارالمنظر، ۱۹۹۶م.
۳۵. القرشی، ادیس عمادالدین، *عیون الأخبار و فنون الآثار فی فضائل الأئمة الأطهار*، حقه و کتب مقدمه مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس، بی تا.
۳۶. کامل حسین، محمد، *فی أدب مصر الفاطمیة*، قاهره: جمهورية مصر العربیة، ۲۰۱۴م.
۳۷. کرمانی، حمیدالدین، *راحة العقل*، تقدیم و تحقیق مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس، ۱۹۶۷م.
۳۸. _____، *رسالة الوضیة فی معالم الدین*، نسخه خطی شماره ۹۴۷، لندن: خزانه اسناد مرکز مطالعات اسماعیلی (The Institute of Ismaili Studies).^۱

۱. نسخه خطی مورد استفاده در این رساله به صورت فایل JPG توسط سرکار خانم بهناز کبیخا در اختیار این جانب قرار گرفت. نگارنده مراتب قدردانی خود را اعلام می دارد.

۳۹. — المصابیح فی اثبات الامامة، تقديم و تحقیق مصطفی غالب، بیروت: منشورات حمد، ۱۹۶۹م.
۴۰. کلم، ورنه، خاطرات یک مأموریت: سیره دانشمند، سیاستمدار و شاعر اسماعیلی مؤید فی الدین شیرازی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۳.
۴۱. لوییس، برنارد، بنیادهای کیش اسماعیلی (یحتی در پیدایی خلافت فاطمیان)، ترجمه ابوالقاسم سرّی، تهران: انتشارات ویسمن، ۱۳۷۰.
۴۲. ماجد، عبدالمنعم، نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر، مصر: مکتبة الانجلو المصریة، ۱۳۳۲ش.
۴۳. متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم (رنسانس اسلامی)، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۴۴. مشرفه، عطیه مصطفی، نظم الحکم بمصر فی عصر الفاطمیین، مصر: مطبعة الاعتماد بشارع حسن الاکبر، دارالفکر العربی، بی تا.
۴۵. مقریزی، احمد بن علی، اتعاظ الحنفا بأخبار الائمة الفاطمیین الخلفا، تحقیق محمد حلمی محمد احمد، قاهره، ۱۴۱۶ق.
۴۶. — المقفی الکبیر، تحقیق محمد البعلاوی، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۷ق.
۴۷. — المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، وضع حواشیه: خلیل المنصور، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
۴۸. المؤید فی الدین، هبة الله بن موسی، دیوان المؤید الدین داعی الدعاة، تحقیق محمد کامل حسین، قاهره: دارالکاتب المصری، ۱۹۴۹م.
۴۹. — سیره المؤید الدین داعی الدعاة، تحقیق محمد کامل حسین، قاهره: دارالکاتب المصری، ۱۹۴۹م.
۵۰. — المجالس المؤیدیة، تحقیق مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس، ۱۹۷۴م.
۵۱. مینتزبرگ، هنری، سازماندهی: پنج الگوی کارساز، ترجمه ابوالحسن فقیهی، حسین وزیری سابقی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۴.

۵۲. ناصر خسرو، دیوان اشعار، به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، شعبه تهران، ۱۳۷۵.
۵۳. واکر، پل ارنست، حمیدالدین کرمانی، تفکر اسماعیلی در دوره الحاکم بامرالله، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۹.
۵۴. هالم، هاینتس، فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۷.

55. Daftary. F, The Ismaili Da'wa outside the Fatimid Dawla, L'Egypte Fatimide: Son art et aon histoire, 1999.

